

هو الله

ای بنده آستان الهی آنچه بجناب منشادی مرقوم نموده بودی رسید و چون نظر بحکمتی ایشان را روانه مصر نمودم لهذا با وجود موانع عظیمه من بجواب پرداختم تا بدانی که این دل چه قدر مهربانست این ایام مخابره بسبب امور وارده بسیار سخت و مشکلاست با وجود این نهایت همت مجرا شد تا این نامه ارسال گشت والا ممکن نبود زیرا سبیل مسدود و طریق مقطوع و ما متوکلاً علی الله معتصماً بذیل عنایت در مقابل تیر بلا سینه هدف نموده با وجود کمال صداقت و خیرخواهی و محبت بجمیع نوع انسانی و اطاعت شهریاری و دولتخواهی پادشاهی هدف تیر افترای اخوی گشتیم که با عوانان خویش لائحه شدیده‌ئی مشحون بهر تهمت و افترائی بدرگاه پادشاهی عثمانی تقدیم نمودند از هر جهت امور معسور شده اما اعتماد ما بر عنایت رب غفور و عدالت پادشاه غیور است تا خدا چه خواهد حال بسیار شدید است احبای الهی نباید فتور آرند و قصور ورزند بلکه سزاوار استقامت و ثبوتست و توکل بر حی لایموت بموجب تعالیم و وصایای جمال مبارک روش و حرکت نمائید و سبب نورانیت عالم انسانی گردید تا نور حقیقت و پرتو محبت جمیع قلوب را روشن نماید و عالم انسانی دانائی یابد و با یکدیگر مانند برادران مهرپرور گردند و چون شیر و شکر بیامیزند دین و مذهب را وسیله بغض و تعب نمایند و آئین را علت نفرت در روی زمین نکنند دین الهی محبت بین بشر است و صداقت و امانت و خیرخواهی خلق حتی رحم بر وحوش و طیور بحر و بر عالم انسانی که نظرگاه رحمانیست میدان حرب و ضرب و خونخواری گشته یکی دین را سبب هدم هر بنیان متین نماید و دیگری مذهب و آئین را بهانه درندگی در عالم انسانی کند دیگری وطن موهومی تصور کند و بعنوان وطن پرستی بنادرستی برخیزد و دیگری شهامت و شجاعت عنوان کند و چنگ بخون انسان بیالاید و بر بنی نوع خویش جفا و عذاب آغاز کند خداوند مهربان نهال انسانی بنشانند و پانزده سال بمرور ایام این نهال را پرورش دهد تا ببلوغ رسد و شکوفه بگشاید و شاخ و برگ را بمیوه تر بیاراید در حال انسان در یک ساعت هزار چنین نهال را از بیخ و بن قطع کند و افتخار نماید که من شجیعم دلیرم شیر جهانگیرم گرگ تیزچنگم با نام و ننگم سبحان الله این چه نادانیتست و چه بیفکری که آنچه سبب عار است مدار افتخار است بنیان الهی براندازد و در میدان جفا بتازد و دلهای بیچارگان بگدازد و خاک را بخون هزاران بیگناه بیالاید و افتخار نماید این چه کوریست و این چه دوری و این چه غروری خداوند دیده‌ها را بینا کند و گوشها را شنوا فرماید و بیخردان را هوش دهد و هوشمندان را همراز سروش فرماید آنه علی کل شیء قدیر باری در چنین حالتی و کرپتی و مصیبتی و وحشتی و دهشتی بنگارش این نامه پرداختم تا بدانی که چه قدر یاران حقیقی را دوست دارم بلکه سبب شوند این بغض و عداوت و کینه و قساوت و کره و مخالفت از جهان زائل گردد ان ربی یؤید الذین یسعون فی الأرض اصلاحاً و لا یریدون الا فلاحاً و لا یتمنون للوری الا نجاتاً و ان الله لعلی کل شیء قدیر

جناب آقا محمد حسین و ایضاً آقا محمد حسین را تحیت مشتاقانه برسان و بگو این نامه بجهت سه‌گانه است هر یک قرائت نمائید و بنصائح و وصایا روش و حرکت فرمائید تا در درگاه احدیت مقرب گردید اگر فرصت بود بهر یک نامه‌ئی مخصوص مرقوم میگردید ولی چه چاره که این آواره ابداً فرصت ندارد و در این ایام موانع بی حد و شمار و علیکم التحیه و التناء ع ع

[یادداشت]

۱. رقم ۹ بر طبق حساب ابجد معادل عددی کلمه "بهاء" است. ←

این سند از www.bahai.org/fa/legal کتابخانه دیجیتال دایرود شده است. شما مجاز هستید از متن آن با توجه به مقررات مندرج در سایت www.bahai.org/fa/legal استفاده نمایید.

آخرین ویراستاری: ۲۲ اکتبر ۲۰۲۳، ساعت ۱۰:۰۰ قبل از ظهر